



انصاف را بین خود و دیگران حاکم سازید/ انواع انصاف

پیامبر اکرم(ص) یکی از نشانه‌های مؤمن واقعی را انصاف دانسته و می‌فرماید: «کسی که با فقیر، همدردی کند و درباره مردم با انصاف باشد مؤمن واقعی است».

خبرگزاری مهر - پیامبر اکرم(ص) یکی از نشانه‌های مؤمن واقعی را انصاف دانسته و می‌فرماید: «کسی که با فقیر، همدردی کند و درباره مردم با انصاف باشد مؤمن واقعی است».

امام علی(ع) در خطبه 21 نهج البلاغه می‌فرماید: «فَإِنَّ الْعَايَةَ أَمَامَكُمْ وَ إِنْ وَرَاءَكُمْ السَّاعَةُ تَحْدُوكُمْ تَحَقُّوْا تَلَحُّوْا فَإِنَّمَا يُنْتَظَرُ بِأَوَّلِكُمْ آخِرُكُمْ أَقُولُ إِنَّ هَذَا الْكَلَامَ لَوْ وَزَنَ بَعْدَ كَلَامِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله بِكُلِّ كَلَامٍ لَمَالَ بِهِ رَاجِحًا وَ بَرَزَ عَلَيْهِ سَابِقًا فَأَمَّا قَوْلُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَخَفُّوْا تَلَحُّوْا فَمَا سَمِعَ كَلَامَ أَقَلِّ مِنْهُ مَسْمُوعًا وَ لَا أَكْثَرَ مَحْصُولًا وَ مَا أَبْعَدَ غُورَهَا مِنْ كَلِمَةٍ وَ أَنْقَعَ نَظْفَتَهَا مِنْ حِكْمَةٍ وَ قَدْ نَبَهْنَا فِي كِتَابِ الْخَصَائِصِ عَلَى عَظَمِ قُدْرَتِهَا وَ شَرَفِ جَوْهَرِهَا»

آنگاه که خبر پیمان شکنان به ایشان رسید این خطبه را ایراد فرمودند: آگاه باشید! شیطان حزب و طرفداران خویش را بسیج کرده و سپاه خود را گرد آورده است تا بار دیگر ستم را به جایش برگرداند و باطل را به جایگاه نخستینش باز فرستد. به خدا سوگند آنها هیچ منکری از من سراغ ندارند.

انصاف را بین من و خود حاکم نساختند، آنها حقی را مطالبه می‌کنند که خود آن را ترک گفته‌اند. انتقام خونی را می‌خواهند که خود ریخته‌اند، اگر(در ریختن این خون) شریکشان بوده‌ام پس آنها نیز سهیمند و اگر تنها خودشان مرتکب شده‌اند کیفر مخصوص آنهاست. مهمترین دلیل آنان به زیان خودشان تمام می‌شود، از پستانی شیر می‌خواهند که مدت‌هاست خشکیده، بدعتی را زنده می‌کنند که زمانهاست از بین رفته. چه دعوت کننده‌ای؟! و چه اجابت کننده‌انی؟!

من به کتاب خدا و فرمانش درباره آنها راضیم، اما اگر از آن سرباز زند لبه شمشیر تیز را در اختیار آنها قرار می‌دهم و این کار برای درمان باطل و یاری حق کفایت می‌کند! شگفتا! از من خواسته‌اند که در برابر نیزه‌هاشان حاضر گردم و در مقابل شمشیر آنان شکیبائی ورزم! سوگواران در سوگشان بگریند، من کسی نبودم که به نبرد تهدید شوم و یا از ضرب شمشیر بهراسم! من به پروردگار خویش یقین دارم و در دین و آئین خود گرفتار شک و تردید نیستم!

ابن ابی الحدید می‌نویسد: «این خطبه از خطبه‌های جنگ جمل است، چنانکه مورخ معروف «ابو مخنف» قسمت زیادی از آن را از قول «مسافر بن عفیف» نقل می‌کند، او می‌گوید: پس از بازگشت فرستادگان امام(ع) از جانب طلحه و زبیر و عایشه و اعلام جنگ از طرف آنها، امام(ع) بپا خاست و این خطبه را یاد فرمود.

در اینجا امام استدلال جالبی دارد که اصحاب جمل طالب خونی هستند که خودشان ریخته‌اند، زیرا آنها از کسانی بودند که شورش بر ضد عثمان را رهبری کردند تا خون او ریخته شد و اگر فرضا امام(ع) هم در این کار شریکشان بوده آنها نیز مقصرند پس به طور مسلم خودشان قاتل عثمان هستند چگونه به خونخواهی او برخاسته‌اند؟!

«یا خبیة الداعی!» منظور از این جمله یکی از سه نفر است: طلحه، زبیر و عایشه، همچنین امام(ع) سر نترسیدن خویش از جنگ را عقیده محکمش به خدا و عدم تردیدش در دین می‌داند، یعنی اعتقاد، او را به این سر حد رسانیده است.

آنچه که در این خطبه مورد توجه ما قرار گرفته است، موضوع انصاف است که مورد تأکید امام علی(ع) بوده است. انصاف که از زیباترین خصلت‌های اخلاقی است به معنای عدالت‌ورزی و اجرای قسط و اقرار به حقوق مردم و ادای آنهاست و این که هر خیری را برای خود می‌خواهم برای دیگران هم بخواهم و هر زیان و ضرری که برای خود نمی‌پسندم برای دیگران هم نپسندم.

انصاف از دیدگاه قرآن

برخی از مردم در مقام سخن یا ادای شهادت چنانچه منافع خود یا نزدیکان خود را در معرض خطر ببینند به سادگی حاضر نیستند حقیقت را بگویند. از این رو خداوند در قرآن مجید می‌فرماید: «هنگامی که سخن می‌گویید عدالت را رعایت کنید حتی اگر در مورد نزدیکانتان بوده باشد و به عهد خدا وفا کنید. این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می‌کند تا متذکر شوید.>

و در جای دیگر می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به طور جدی در پاسداری از عدالت برخیزید و برای خدا گواهی دهید اگرچه [این گواهی] به زیان خود شما یا پدر و مادر یا نزدیکان شما بوده باشد. برای هر کس که شهادت می‌دهد چه غنی باشد یا فقیر، خدا سزاوارتر است که از آنها حمایت کند. بنابراین از هوی و هوس پیروی نکنید که از حق منحرف خواهید شد و اگر حق را تحریف کنید و یا از اظهار آن اعراض نمایید خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.>

انصاف از دیدگاه روایات

در روایات نیز سفارش زیادی درباره رعایت انصاف شده است که به بعضی از آنها اشاره می‌شود. مردی خدمت رسول خدا(ص) رسید و گفت: مرا از مکارم اخلاق آگاه کن. پیامبر اکرم(ص) فرمود: «مکارم اخلاق عبارت است از: عفو کردن کسی که به تو ستم کرده است؛ پیوند با کسی که از تو بریده است؛ بخشش به کسی که تو را محروم کرده است؛ حقگویی گرچه به ضرر خودت باشد.>

پیامبر اکرم(ص) یکی از نشانه‌های مؤمن واقعی را انصاف دانسته و می‌«فرماید: کسی که با فقیر، همدردی کند و درباره مردم با انصاف باشد مؤمن واقعی است.> امیرمؤمنان علی(ع) می‌«فرماید: هر کس با مردم به انصاف رفتار کند خداوند بر عزتش بیفزاید.> امام صادق(ع) می‌فرماید: «بالاترین اعمال سه چیز است: رعایت انصاف نسبت به مردم تا آنجا که هر چه برای خود دوست داری برای آنان نیز دوست بداری. موااسات نمودن با برادرت در مال، یاد خدا در هر حال...>

امام صادق(ع) می‌«فرماید: سه دسته‌اند که در روز قیامت از دیگران به رحمت خدا نزدیکترند تا از حساب خلق فارغ شود: کسی که در هنگام خشم، قدرتش او را به ستم کردن به زیردستانش دعوت نکند. کسی که هنگام قضاوت بین دو نفر به اندازه یک جو به هیچ طرف گرایش پیدا نکند. کسی که حق را بگوید؛ خواه به ضرر او باشد یا به سود او.>

حضرت علی(ع) در فرمان خود به مالک اشتر می‌«فرماید: نسبت به خدا و بندگان انصاف را از دست مده و نسبت به اطرافیان و خانواده و زیر دستانت انصاف داشته باش که اگر انصاف، پیشه خود نسازی ستم کرده‌ای و کسی که به بندگان خدا ستم کند خدا دشمن اوست و کسی که خدا دشمن او باشد دلیلش را باطل می‌سازد [عذرش را نمی‌پذیرد] و چنین شخصی با خدا در جنگ است مگر آنکه دست از ستم بردارد و توبه کند.>

رعایت انصاف کاری دشوار است و انسان باید به آن اهمیت بدهد. امام صادق(ع) در حدیثی فرمود: «آیا شما را به سخت‌ترین چیزی که خدا بر خلقش واجب کرده آگاه نسازم؟ و آنگاه سه موضوع را بیان کرد که نخستین آنها از انصاف دادن به مردم است.>

انواع انصاف:

انصاف دارای انواع و اقسام متعددی است که در اینجا به چند مورد به عنوان نمونه اشاره می‌«شود:

1- انصاف در سخن

انسان باید به سخنان دیگران آن گونه بنگرد که به سخنان خویش می‌نگرد و از آن همان‌گونه دفاع کند که از سخن خویش دفاع می‌کند و به تعبیر دیگر طالب حق باشد و آن را در نزد هر کس و هر جا بیابد پذیرا شود؛ هر چند گوینده حق، یک فرد عادی و او عالمی بزرگ و پرآوازه باشد.

انصاف که در روایات اسلامی از آن ستایش فراوان شده به معنی یکسان نگرستن به منافع خویش و دیگران است و یکی از شاخه‌های آن انصاف در سخن می‌باشد. در حدیث معروفی می‌خوانیم که امام صادق(ع) فرمود: «برترین اعمال سه چیز است: رعایت انصاف در حق مردم نسبت به خویشتن تا آنجا که چیزی را برای خود نخواهی، مگر اینکه همانندش را برای آنها بخواهی و مواسات با برادر دینی در مال و ذکر خدا در هر حال."

2- انصاف در عمل

امیرالمؤمنین علی(ع) در نامه‌ای به مالک اشتر در این مورد می‌فرماید: «با خدا و با مردم، با خویشاوندان نزدیک و با افرادی از رعیت خود که آنان را دوست داری انصاف را رعایت کن..."

3- انصاف در قضاوت

رعایت انصاف در زندگی انسان مراحل دارد که هر شخصی در هر موقعیتی که قرار گرفته باشد باید به تناسب آن موقعیت، انصاف را رعایت کند. چه بسا که رعایت نکردن انصاف، دنیا و آخرت انسان را تباه سازد و مهمترین مورد رعایت انصاف در مقام قضاوت است. کسی که بر کرسی قضاوت و حکومت می‌نشیند باید جز حق و حقیقت چیز دیگری را منظور ندارد. اگر تحت تأثیر دیگران قرار گیرد و یا به خاطر خویشاوندی و دوستی به یکی از طرفین دعوی متمایل شود مسلماً از مسیر عدالت و انصاف منحرف شده و برخلاف «ما انزل الله" حکم خواهد کرد و کسی که برخلاف حکم خداوند داوری کند از ستمکاران و فاسقان و کافران است.

اگرچه هرگاه سخن از قضاوت و شرایط قاضی و اهمیت آن در اسلام به میان می‌آید ذهن انسان متوجه قضاتی که در مراحل عالی قضاوت قرار گرفته‌اند می‌شود، ولی قضاوت منحصر به قاضی رسمی و منصوب از طرف امام(ع) یا نایب امام نیست؛ زیرا حکم کردن شامل مواردی که به نظر ما جزئی و کم اهمیت می‌آید نیز می‌شود.